

در روزی که از آنجا که برین آفتاب می‌تابد، زمین را می‌تاباند و آنرا روشن می‌کند
 که در آن روز که چون از آنجا که برین آفتاب می‌تابد، زمین را می‌تاباند و آنرا روشن می‌کند
 فقری الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم یقولون
 نخشی ان نصیبنا الذرة (۱)

درسی از قرآن درباره :

از دانشمند محترم

جناب آقای غفوری

هستی‌گرایی داخلی

هراقبت در روابط خارجی

« الذین کفروا بعضهم اولیاء بعض - الا »

« تفعلوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر »

سوره انفال

از شواهدی که از قرآن و گفتار پیغمبر صلی الله علیه و آله درست است استفاده
 میشود که آنحضرت وضع امت خود یعنی مردمی را که با اسلام گرویده
 بودند ، بعد از رحلت خود پیش بینی می کرد ، و گویا برای ایشان
 روشن بود که در اثر طمع‌ها و آرزوهای دور و دراز و پیروی از هوی
 و هوس ؛ در بین امت انحرافات پیش خواهد آمد ، و مسلمین که قاعدتاً
 با داشتن برنامه بسیار منظم و متین چون « قرآن کریم » می‌بایست از
 همه ملل برتر باشند « وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین » ، بعزت

مسامحه در اجرای دقیق دستورات آن ، گرفتار اختلاف داخلی از يك طرف ، و در معرض نقشه‌های خائنانه دشمنان از طرف دیگر خواهند شد .

این مطلب بخوبی در قرآن منعکس است ، و اینهمه تأکید که در آیات متعدده راجع به مراقبت در روابط بین مسلمین و یهود و نصاری شده است ، پیش بینی روشنی است که از آن میتوان حدس زد که وضع مسلمین طوری خواهد شد که هر يك از آنها یا بعضی از آنان بجای دوستی با ملت خود بنحوی دست بسوی دیگران دراز میکنند ، یا دست حاجت و استمداد ، یا دست دوستی و پیمانهای گوناگون و از همه رسواتر آنها را بعنوان سرپرست و مشاور و محرم اسرار قرار دادن !
چنانکه در قرآن آمده است :

يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا الیهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض ومن يتولهم فانه منهم ان الله لا یهدى القوم الظالمین (۱) .

و سپس به بعضی مصلحت اندیشی‌ها که از بی ایمانی یا ضعف ایمان سرچشمه میگردد ، اشاره میکند که : بعضی از مسلمین می گویند که اگر با آنها چنین روابطی برقرار نکنیم می ترسیم گرفتاریهای پیدا کنیم

- ۱- ای مردم با ایمان ! با یهود و نصاری پیمان دوستی نبندید ، گروهی از آنان یاران گروهی دیگر هستند ، آنکس که از بین شما بدوستی (یا سرپرستی) آنان تن در دهد خود نیز از آنان است ، بطور مسلم خداوند ستمکاران را هدایت نمیکند .

و مورد حمله و تهاجم قرار گیریم ولذا چنان با سرعت رو به آنهامی روند
که گویا برای خود ابداً شخصیتی قائل نیستند :

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم بقولون
نخشی ان تصینادائرة (۱)

سپس قرآن بمسلمین گوشزد می فرماید : فریب کسانی را
نخورید که شما و عقائدتان را بباد مسخره گرفته اند ولی در ظاهر
باشما مطالب دل خوش کننده ای میگویند و دم از دوستی و پیمان و اتحاد
و مودت باشما میزنند ، گمان نکنید که آنان راست میگویند ، آنان
منظور خاصی دارند ، به زبان شمار اراضی نگه میدارند تا مقاصد خودشان
عمای شود ولی در مواقع حساس شمارا تنها میگذارند ، بلکه در غیاب
شما برای ایجاد اختلاف و هرج و مرج در میان شما نقشه ها طرح
می کنند .

یرضونکم بافواهمم و تابی قلوبهم (۲) . سپس ملت مسلمان
را بیم می دهد که بیگانگان را محرم راز قرار ندهید : لا تتخذوا بظانة
من دونکم آنان از هیچ مفسده ای درباره شما کوتاهی نخواهند کرد :
لایالونکم خیالاً و از اینکه شما در رنج باشید آنان خوشحال اند :
ودوا ما عنتم - ان تصبکم سیئة یفرحوا بها بلکه نقشه های برای ایجاد
اختلاف در میان شما دارند ، اگر شما در گفتار آنان دقت کنید آثار

۱- پس می بینی کسا نیرا که غرض و مرض دارند بسرعت بسوی

آنان میروند ، میگویند میترسیم که گرفتاری و مصیبتی بر ایمان بیش آید .

۲- شمارا با کلام خود در ارضی میکنند ولی دلهای آنان آباد ارد

دشمنی را از خلال کلمات آنان می‌توانید بیابید ، ولی بدانید که آنچه در نیت و نقشه‌های باطنی آنان است ، خیلی دامن‌دار تر و بزرگتر است ، از آنچه تا کنون شما میدانید . **قد بدت البغضاء فی افواههم وما تخفی صدورهم اکبر** و بالاخره خاطر نشان می‌کند که خداوند شما را با خبر می‌کند تا اگر عقل دارید تکلیف خود را بفهمید : **قد بینا لکم الایات ان کنتم تعقلون** یعنی اگر هنوز فریب حرف‌های بی‌اساس سیاست‌های بیگانگان را می‌خورید و خیال می‌کنید پیوند با یهود و نصاری برای شما مفید تر از استقلال یا پیوند با مسلمین دیگر است . این کار نشانه آن است که شما عقل درستی ندارید و یا از آن استفاده نکرده‌اید .

و چون بعضی پیمانها که با بیگانگان منعقد می‌شود ، از آنجا که صلاح عمومی رادر بر ندارد ، از طرف ملت اصیل مسلمان تصویب نمی‌شود و فقط يك عده که خود را سرپرست مردم حساب می‌کنند ؛ روی صلاح شخصی و حفظ ریاست خود و یا بالاخره در اثر فشار بیگانگان اینگونه اعمال را می‌کنند و در نتیجه تمام یا قسمتی از نیروهای مردم و بودجه های اسلامی بمنظور اجرای برنامه‌هایی که نتیجه اش صرفاً بتفع بیگانگان است صرف می‌شود .

قرآن درباره معرفت اینگونه خائنین میفرماید : **ومن یتولهم منکم فانه منهم** آنانکه دیگران را سرپرست خود قرار داده‌اند ، آنها خود بیگانه‌اند و از شما نیستند .

وحدت جهانی

اینجا یادآوری يك نکته لازم بنظر میرسد که مبادا کسی گمان

کند در اسلام بایک نژاد و تیره و دودمان خاصی مخالفت شده است و یا یکی از تعلیمات اسلامی بدین ساختن مسلمین به یکی از طوائف بشری بعنوان نژاد یا ملیت خاص باشد؛ ابدأ اینطور نیست. اسلام تمام مردم را مساوی می شمارد. از هر نژاد که باشند و مملکت بر تری و امتیاز را فقط و فقط در تقوی و پاک دامنی میداند و تنها علم و ایمان را اساس ارزش انسانی می شمارد

ان اکرمکم عندالله اتقاکم یرفع الله الذین آمنوا والذین اوتوا العلم درجات بلکه با این نظر که نژادی خود را بر تر از دیگران بشمارد و یک نوع خود بینی و افراط در ملیت داشته باشد مخالفت می کند و با اصطلاح غرور ناسیونالیستی را محکوم می شمارد و لذا نقشه های اسلامی برای ایجاد یک برادری همگانی جهانی در سایه «توحید» که یگانه عامل وحدت نوع بشر است، می باشد.

اسلام میگوید: نباید دنیا را به قطعات جدا گانه تقسیم کرد و حکومت های تاریخی یا جغرافیائی تشکیل داد. مثلاً نباید گفت: مردمی که بین فلان دریا و فلان اقیانوس از جهت شمال و جنوب و مابین فلان کویر و فلان سلسله جبال از طرف مشرق و مغرب قرار دارند تابع یک حکومت باشند. حال آن حکومت مطابق خواسته عموم آنها نیست نباشد. آنها محکوم به آن وضع اند!

یا مثلاً مردمی که از نظر نژاد وحدتی دارند و سابقه تاریخی ممتدی دارند یک ملت محسوب می شوند، و لودر هر جای دنیا هم زندگی کنند

بلکه وحدت، وحدت عقیده است و حکومت، حکومت فکر.

لذا کسیکه نقشه وحدت جهان را طرح میکند باید عقیده ای را

پیشنهاد کند که بتواند در سایه آن مردم را به برادری دعوت کند : و آن تنها و تنها یگانگی پرستی و خدای اخالق و بزرگ دانستن و در مقابل هیچ قدرتی جز قدرت حق خاضع نشدن می باشد .

اسلام همه را آزادمی داند و به هیچ کس اجازه نمی دهد مردم را بازور یا نیرنگ اغفال کند و به نا حق زیاست نماید و عدالت را اولین شرط حکومت معرفی می کند : ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی

اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل (۱)

این يك بر نامه بیدار باش برای مسلمین . در این بین و در این حال این جریان را از نظر بیگانگان که چشم طمع به مسلمین و تشکیلات و سر زمین آنها دوخته اند حساب کنیم : آنها از طرفی حساب کرده و میکنند که يك جمعیت کثیر در حدود يك چهارم تمام سکنه زمین دیانت اسلام را پذیرفته اند که بسیاری از آنها از ثروت های طبیعی سرشار بهره مندند . از طرفی دیگر اسلام مقرراتی دارد که می خواهد مابین آنها پیوندی ناگسستنی بوجود آورد و ضمناً وحدت این ملت ها با نقشه های خائنه اقتصادی آنها مناسب نیست . آیا در این میان چه نقشه ای طرح باید کرد ؟

مثالی از نقت

مثلا در مورد منابع سوخت نفتی که امروزه برای گردش صنایع جدید و بکار انداختن کارخانه ها و وسائل حمل و نقل هوایی و دریائی و

۱ - خداوند بشما فرمان میدهد که امانت ها را بصاحبانش رد کنید و

هنگامیکه بین مردم حکومت میکنید با عدالت حکم کنید .

زمینی محرك اصلی است و اثر فوق العاده‌ای در جهات مختلف علمی و صنعتی و اقتصادی و سیاسی دارد.

کویت - عربستان - ایران - عراق - اندونزی به ترتیب در حال حاضر ردیف چهارم - پنجم - ششم - هفتم و نهم را حائزند. یعنی در هر ۲۴ ساعت از چاههای نفت کویت بیش از یک میلیون رده‌یست هزار بشکه یعنی حدود ۲۰۰ میلیون لیتر نفت استخراج میشود.

در عربستان در همین حدود، قدری کمتر یعنی روزی در حدود یک میلیون و صد و شصت هزار بشکه نفت خام بیرون می‌آید. و در ایران طبق آمار سال ۱۳۳۹ تنها از معادن نفت جنوب روزی یک میلیون و پنج‌جاه هزار بشکه نفت خام استخراج می‌شود، ولی طبق گزارشهای اخیر به یک میلیون و پانصد هزار بشکه رسیده است. تنها از یک چاه آغا جاری روزانه هشتاد هزار بشکه نفت خام بیرون می‌آید و علاوه بر آن روزانه در حدود صد هزار بشکه نیز از چاههای نفت قم بیرون می‌آید.

در عراق و اندونزی هم همینطور با اندکی تفاوت.

خوب حالا یک مملکت صنعتی که در گوشه فلان قاره قرار گرفته است، نیروی دریائی مجهزی دارد، کارخانه‌های عظیمی در آن برپاست، و پنج‌جاه درصد سوخت نفتی خود را نباید مثلا از کویت تهیه کند، آیا می‌تواند در امور آنجا بی طرف باشد که اگر قدرت حکومت بدست کسانی افتاد که با صدور نفت با آنجا موافقت نکردند، بگویند خوب مانعی ندارد. مردم حقوقی دارند و آزادند. آیا او نقشه‌های خائنانه وسیعی طرح نمیکند تا بتواند وضع موجود

را ادامه دهد؟ و یا مثلاً ۱۲ درصد دیگر احتیاجات نفتی خود را از عراق می برد ، آیا نظارت دقیق بوضع آنجا ندارد؟! و همینطور در مورد بقیه احتیاج خود که از ایران و سایر جاها تأمین میکند .

خوب ، در نظر رهبران آن کشور صنعتی که خود منابع نفتی ندارد ولی اینهمه مصرف نفت و بنزین دارد چه باید کرد؟ آیا اگر يك اتحادیه ای میان کشورهای نفت خیز بوجود آید و اینها بنشینند و نقشه صحیح تری برای پیشرفت کار خود پیدا کنند و نتیجه آن نقشه این باشد که جلوی لوله های نفت که به فلان کشور میرفت بسته شود آیا او با احترام آزادی نوع بشر آرام می نشیند و میرود فکر دیگری برای خود می کند ، و بخصوص وقتی بداند که تعلیمات خاصی وجود دارد که مردم این نواحی مختلف را که دست سیاست های بیگانه آنها را از هم جدا کرده است ، و سر زمینهای بزرگ آنان را به قطعات کوچک تجزیه نموده اند ، اکنون این تعلیمات دینی میخواهد بایک رشته محکمی آنها را به یکدیگر پیوند دهد ، آیا او می گذارد این تعلیمات با کمال متانت اجراء شود؟ هر گز نه . تلاش میکند . اختلافات مذهبی بنام شیعه و سنی راه اندازد . برادر کشی ایجاد کند ، بین ملت و رهبران آنها فاصله های عمیق بوجود آورد . اداری و بازاری ، روشنفکر و مرتجع و نظائر آن درست کند ، و بالاخره همه را بجان یکدیگر اندازد تا خود در این میان آسوده خاطر بماند ،

حالا اگر چند دولت قوی بیگانه در این کار باهم توافق کنند ، در آن صورت چه خواهد شد ، آن وقت همان کاری خواهد شد که

نمونه‌اش را در بسیاری از ممالک اسلامی و بخصوص بعضی از آنها می‌بینیم. حال آنکه اینها به همان آیه یادآوری که در ابتدای مقاله یادآوری شد تکرار می‌کنیم و مردم مسلمان و بخصوص دانشمندان و متفکرین و رهبران قوم را بتدبر در معنای آن بادر نظر گرفتن وضع حاضر مسلمین در تمام نواحی جهان، دعوت می‌نمائیم:

خوب، دیگر فتنه از این بیشتر که میان ممالک اسلامی اینهمه تفرقه افتاده است و دست‌اجانب اینهمه باز شده و دستورات اسلامی آنطور که باید اجرا نمیشود، اجتماعات و حدود و مقررات اسلامی که بمنظور جلوگیری از بروز جنایات وضع شده است تعطیل گردیده و زر و زور بدست غیر اهلش افتاده است؛ سطح معلومات این قدر پائین رفته است و سطح تجمل‌پرستی و بدبینی میان طبقات اینهمه اوج گرفته است.

تنه‌راه چاره

اینجا همان آیه ایرا که در ابتدای مقاله یادآوری شد تکرار می‌کنیم و مردم مسلمان و بخصوص دانشمندان و متفکرین و رهبران قوم را بتدبر در معنای آن بادر نظر گرفتن وضع حاضر مسلمین در تمام نواحی جهان، دعوت می‌نمائیم:

الذین كفروا بعضهم اولياء بعض - الا تفعلوه تكن فتنه في الارض وفساد كبير .

در ابتدای این آیه یادآوری می‌شود که آنها که کافرند و توبه‌ی مخالف مسلمین را تشکیل می‌دهند در یک هدف با یکدیگر متحدند و

در راه آن تشریک مساعی می کنند و آن ایجاد اختلاف در بین مسلمین است ، تا به هر وسیله ای که ممکن است در آنها ایجاد ضعف نمایند و نگذارند متحد باشند و کارهای موثر انجام دهند ، آنان بایکدیگر پیمانهای دوستی می بندند و در راه هدف مشترکشان هم آهنگی می کنند .

در تفسیر مجمع البیان کلمه «ولی» را در این آیه که جمع آن «اولیاء» است اینطور معنی می کند : **الولی هو المختص بالعقد علی النصرة فی وقت الحاجة یعنی وای کسی است که با او پیمان کمک و یاری بسته می شود که در مواقع -ناجحت (یعنی آنگاه که مورد هجوم قرار بگیرد) با او مساعدت شود .** عبارت ساده تر همین پیمانهای تدافعی که دولتهای مختلف با یکدیگر می بندند .

بنا بر این در این آیه بیان می شود که کافران در مواقع مقتضی با هم می سازند و نقشه های مشترکی در مورد شما دارند . **ان لا تفعلوه تکن فتنه فی الارض وفساد کبیرا** اگر آن دستور را که بشما مسلمین داده شده است بجا نیاورید ، در روی زمین فتنه برپا خواهد شد و فساد بزرگی روی خواهد داد .

در تفسیر تبیان و مجمع البیان اینطور توضیح میدهد : **ان لا تفعلوا ما امرتم به من التناصر و التعاون و التبرأ من الکفار** یعنی اگر آنچه را بشما امر شده است در مورد یاری و معاونت یکدیگر و همکاری شما مسلمین با یکدیگر و یاری هر یک دیگری را در موقع حاجت ، انجام دهید و از آنها که دشمن دین شما

در آن صورت چه خواهد شد ، آن وقت همان کاری خواهد شد که

و مخالف با عقاید حقه می باشند و راه باطل را می پیمایند احتیاط کنید
و شفته و فریفته آنها نشوید ، در این صورت **تکن فتنه فی الارض**
و فساد کبیر . در روی زمین فتنه و فساد بزرگی روی خواهد داد .

تفسیر فخر رازی در توضیح این آیه مینویسد :

ان المسلمین لو اختلطوا بالكفار فی زمان ضعف المسلمین وقلة
عددهم و زمان قوة الكفار و كثرة عددهم ، ربما صارت تلك
المخالطة سببا لالتحاق المسلم بالكافر . . . ان المسلمین
لو كانوا متفرقین لم يظهر منهم جمع عظیم فیصیر ذلك سببا
لجراة الكفار علیهم .

اگر مسلمین با کفار در موقعیکه مسلمانان ضعیفند و عدد آنها
کم است و کفار نیرومندند و عددشان بسیار است ؛ پیامیزند
؛ بسا این آمیزش باعث پیوستن مسلمان بکافر میشود . . .
و بالاخره میگوید : اگر مسلمین متفرق و پراکنده باشند
(مثل وضع امروز آنها که هر یک دوستی جداگانه تشکیل
داده و بد بینی هائی نسبت بیکدیگر دارند و در بعضی از
آنها نیز فاصله هائی بین دولت و ملت و جود دارد و در حقیقت
باید گفت رؤسای آنها از دستورات اسلام بهره ای ندارند و
یا آنرا بکار نمی بندند) و در نتیجه از آنها جامعه عظیمی تشکیل
نمی شود و این تفرقه و پراکندگی و سیله خوبی برای سوء
استفاده های بیگانگان و جرأت آنها برای اقدامات خصمانه
در مورد هر یک از آنان خواهد شد .

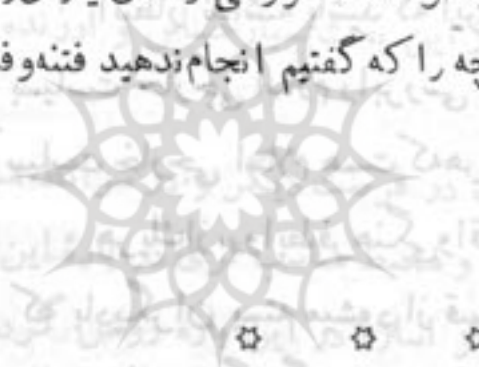
بطور خلاصه این يك اعلان بیدار باشی برای دولتها و ملت های اسلامی است که بیایند و دوریکدیگر جمع شوند ، بایکدیگر همکاری و معاونت کنند ، درمقابل نقشه دیگران که هر چند یکبار بایکی از آنها دست و پنجه نرم می کنند و دیگران هم همینطور ساکت می نشینند ؛ قرآن دستور میدهد ، شما هم باید پیمانهای دوستی و همکاری داشته باشید و اگر جمعیتی از برادران دینی شما یاری خواست او را یاری کنید :

ان استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر
 باز درمقام احترام به تعهد بیاوند بودن به تعهدات قبلی يك مورد را استثنای کند که اگر قبلاً با مردمی پیمان بسته اید و اکنون از شما برای حمله باویاری میخواهند ، در این مورد نباید پیمان قبلی خود را زیر پا بگذارید و البته معلوم است در پیمانها باید خیلی دقیق بود که گاهی باین گونه بر بست نرسد و مسلمین را از انجام مقاصد اسلامی باز ندارد. اکنون بار دیگر آیات آخر سوره انفال را با دقت بیشتری با یکدیگر میخوانیم و در آن تدبر می کنیم تا به ببینیم این آیه چه دستور العملی برای امروز ملل اسلامی بیان می کنند ،

ان الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا باموالهم و انفسهم فی سبیل الله و الذین آووا و نصروا اولئک بعضهم اولیاء بعض و الذین آمنوا ولم یهاجروا مالکم من ولايتهم من شیء حتی یهاجروا و ان استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر الاعلی قوم بینکم و بینهم میثاق و الله بما تعملون بصیر و الذین کفروا بعضهم

اولیاء بعض الاتفعلوه تکن فتنه فی الارض وفساد کبیر

آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا با جان و مال خود جهاد کردند و آنانکه (مسلمانهای بی پناه را) جای دادند و یاری کردند ، گروهی از آنان دوستان گروهی دیگر هستند و آنها که ایمان آوردند و هجرت نکردند لازم نیست که با آنان دوستی و پیمان داشته باشید و اگر از نظر دینی از شما یاری خواستند باید آنانرا یاری کنید ، مگر نسبت به آنانکه بین شما و آنها پیمانی بوده است . و خداوند بآنچه میکنید بینا است . و آنانکه کافر شدند گروهی از آنان یاران وهم پیمانان گروهی دیگرند . اگر آنچه را که گفتیم انجام ندهید فتنه و فساد عظیمی در زمین برپا خواهد شد ..



بلکه پس از آنکه برای اولین بار در تاریخ بشریت کشور اسلامی
 به نام ایران در سال ۱۳۵۷ هجری قمری ظهور کرد و خود را متعهد و آزاد اعلام کرد
 و در نظر اسلام و جهان اسلام و نیز در نظر سایر ملل و اقوام و ملتها
 به نظر می آید که این کشور در حال حاضر در یک وضعیت بحرانی قرار گرفته است
 و نیازمند توجه و مساعدت و یاری سایر ملل و اقوام و ملتها است
 و این کشور در حال حاضر در یک وضعیت بحرانی قرار گرفته است
 و نیازمند توجه و مساعدت و یاری سایر ملل و اقوام و ملتها است